



درآمد

منظور از غرب در این گفتار، غرب به معنای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است و نه به معنای جغرافیایی آن؛ یعنی مجموعه کشورهایی که فرهنگ، سیاست، اقتصاد و اجتماعی غرب مآب دارند. با این دید، ژاپن-در عین قرار گرفتن در خاور دور- غربی است و ونزوئلا واقع در نیمکره غربی، شرقی به شمار می آید.^۱ منظور از چاپ و نشر هم تلاش های پیگیر غربی ها در امر چاپ، ترجمه، معجم، فهرست و تاریخ قرآن نویسی و ترجمه این کتاب آسمانی و در یک کلام، اقداماتی است که مایه رواج قرآن مجید در غرب شده و برای استفاده در اسلام شناسی^۲ به کار آمده است. البته حجم کارهای انجام شده در این باب، فراوان است؛ اما به دلیل این که ذکر تمامی آن ها در این مجال مختصر ممکن نیست، به مهم ترین آن ها، از قرون وسطا به بعد اشاره خواهیم کرد؛ به این امید که در شناسایی درست «اسلام پژوهی در غرب» به ما کمک کند.

سرچشمه ها و اغراض

در بررسی روابط اسلام و غرب و یا مسلمانان و مسیحیان/ غربیان، اروپاییان، باید به این نکته کلیدی توجه کرد که این روابط از آغاز گرفتار پاره ای از تفاهمات و بیش تر سوء تفاهمات گردیده، بعدها نیز دچار اغراض سیاسی، تجاری و اقتصادی و گاه امپریالیستی شده است. در چنین وضعیتی، طبیعی است که پژوهش اصیل تنگ یاب و احیاناً دشوار خواهد بود؛ زیرا علی رغم این که روابط میان اسلام و غرب پیشینه ای دیرین دارد، برخی محققان برخورد و درگیری میان اسلام و غرب و یا

گزارشی کوتاه

از چاپ و نشر

قرآن کریم

در غرب

عباس احمدوند

۱. آل احمد، غرب زدگی، ۲۲-۳۵؛ نامه فرهنگ، ۲۸ و ۱۲۶-۱۲۷.

2. Islamic Studies.

پس از این اقدام در مسیحیت شرق، می توان به اقدامات پتر واجب التکریم در فرانسه و اسپانیا یعنی مسیحیت غرب نیز اشاره کرد. وی که پیشوای دیرهای کلونی بود، چند تن از جمله رابرت کتونی،^{۱۴} هرمان دلماسی،^{۱۵} پتر طلیطلی^{۱۶} و شخصی به نام محمد را به کار گماشت تا برای ایجاد نهضتی عظیم در شناخت اسلام، به ترجمه قرآن و دیگر متون اسلامی بپردازند. درباره ترجمه رابرت، طی مباحث بعدی سخن خواهیم گفت، ولی نکته قابل توجه در این بخش، این است که بدانیم تلاش این گروه - صرف نظر از اختلافی که میان محققان بر سر ترجمان یا نویسندگان وجود دارد -^{۱۷} مجموعه ای را با نام «مجموعه طلیطله»^{۱۸} یا «مجموعه کلونیایی»^{۱۹} به وجود آورد که بخش هایی از این مجموعه در بردارنده همان موج ردیه نویسی است که در نوشته های یوحنا به چشم می خورد و از این نظر تفاوتی میان مسیحیت شرق و غرب، در رد اسلام نیست.

برخی قسمت های این مجموعه عبارت است از: «میلاد و

به عبارت درست تر، شرق و غرب را به گونه ای که سنت پیوسته تاریخ باشد، تعبیر کرده،^۲ تکرار آن را در تاریخ جست و جو می کنند. بدیهی است که در این فضای سرب آلود، سنگین و دود گرفته جنگ و کشاکش و برخوردهای صلیب بر دوش و جزء آن،^۵ چشمان دو طرف در دیدن و شناختن یکدیگر، درست کار نخواهد کرد و حتی اشتباه خواهد دید. بنابراین ابتدا باید کوشید تا غبارهای میان دو طرف و آن سوء تفاهمات دیرین را کنار زد و هر چه بیش تر بر میزان تفاهم افزود.^۶

باری مسیحیان هنگامی با مسلمانان روبه رو شدند که آنان گام به گام در شامات و مصر پیش می رفتند و مستعمرات روم شرقی (بیزانس) مسیحی را اشغال می کردند. علاوه بر این دین اسلام هم لحظه به لحظه فراگیر تر می شد و در سراسر جهان پیروان بیش تری می یافت. از این رو تا مسیحیان چشم گشودند، جهان را در دست مسلمانان دیدند. چه باید می کردند؟ آیا باید دست بر روی دست می نهادند، یا این که می کوشیدند تا رقیب را از پای در آورند؟ مسیحیان آن روزگار راه دوم را برگزیدند؛ ولی تلاش نظامی آنان به معنای غفلت از شناخت موتور محرکه این رقیب توانا نبود.^۷ بدین ترتیب اندک اندک توجه غربی ها به شناخت اسلام و به تبع آن قرآن کریم، جلب شد و گرچه این حرکت پس از نبردهای صلیبی و بر اثر تلاش افرادی چون پتر واجب التکریم،^۸ ریمون لول^۹ و راجر بیکن^{۱۰} بالید و جدی تر گردید، اما مسیحیان از همان ابتدا نیز کوشیدند تا با رد و نشان دادن نقاط به گمان آنان ضعف و احیاناً تناقض قرآن ا دست مایه اصلی و اعتقادی مسلمانان را مخدوش سازند؛ به این جهت شاید بتوان گفت که نخستین گام در مطالعات اسلامی - قرآنی غربیان، جنبش مجادله مآب ردیه نویس بر قرآن و اسلام باشد.

چند نمونه از مجادله ها و ردیه های علیه قرآن مجید:

سلسله جنبان مجادلات کلامی علیه قرآن، فردی است به نام یوحنا دمشقی. وی که از متکلمان نامبردار یونانی و از آباء نصرانیت قرون وسطا به شمار می رود، نخستین کسی است که به حمله سازمان یافته و همه جانبه علیه اسلام و قرآن، بویژه در دفاع از آموزه تثلیث،^{۱۱} دست زده است. محققان این نوع اقدامات وی را که حتی آثار و رسوباتش در مباحث خاورشناسان و اسلام شناسان بعدی نیز به چشم می خورد، نقطه آغازین مطالعات اسلامی در غرب دانسته اند؛^{۱۲} زیرا یوحنا برای رد قرآن و اسلام، ناگزیر از به دست آوردن اطلاعاتی هر چند نادرست از اسلام و کتاب آسمانی اش بوده است. البته اشکالات و حملات وی بی پاسخ نمانده و از همان دوران، افرادی مانند ابو عیسی و راق، خطر او را دریافته، به پاسخگویی وی پرداخته اند.^{۱۳}

۳. زرین کوب، کارنامه اسلام، ص ۱۷.

۴. مانند برخی دیدگاه های جدید در این باب، چون نظریه «برخورد تمدن ها» س. هانتینگتون.

The Clash of Civilization by S. Huntington.

۵. در این باره و تأثیر این نوع روابط بر جریان اسلام پژوهی در غرب، ر. ک.

مارتین: «تاریخ مطالعات اسلامی در غرب»، بخش مجادلات دینی و جنگ های صلیبی. این مقاله با ترجمه نگارنده در دست انتشار است.

۶. یکی از موارد مهم در تفاهم افزایی، توجه به گفت و گوی میان تمدن ها و فرهنگ ها است.

۷. البته از نظر اسلام و قرآن کریم، ادیان مکمل یکدیگرند و رقابتی با یکدیگر ندارند. نک مثلاً: قرآن کریم، سوره ۲، آیه ۱۳۶ و ۲۸۵؛ سوره ۵، آیه ۸۲.

۸. Peter the Venerable. برای شرح حال و افکار او نک: مارتین، همان، بخش تحقیقات کلونیایی و نیز قس: بدوی، فرهنگ کامل خاورشناسان، ص ۸۵.

9. R. Lulio.

10. R. Bacon.

برای شرح حال لول و بیکن و اقدامات آن ها نک مثلاً: حتی، تاریخ عرب، ج ۲، ص ۸۲۹؛ مینوی، «اسلام از دریچه چشم مسیحیان» ص ۲۳ به بعد؛ و مارتین، بی نوشت های مترجم.

11. The Trinity.

۱۲. اسعدی، «یوحنا دمشقی و آغاز مجادلات...»، ص ۶۳.

۱۳. همان.

14. Rabert of Ketton (chester).

15. Hermann of Delmatia.

16. Peter of Toledo.

۱۷. نک: مباحث بعدی همین گفتار.

18. Toledo Corpus.

19. Cluniac Corpus.



در واقع علیه اسلام - بر زبان می آوردند و می نوشتند که یادآور سخنان و نوشته های کشیشان قرون وسطا است که درک درستی از اسلام نداشتند؛ ولی خوشبختانه در اثر بالا رفتن سطح فرهنگ عمومی و به ویژه پس از صدور اعلامیه واتیکان مبنی بر به رسمیت شناختن اسلام به عنوان دینی آسمانی^{۲۰} (۱۹۶۷)، شیوه های ردآلود اندک اندک محو گردید.^{۲۱} این مطلب به علاوه تلاش های انجام شده در چاپ و نشر تحقیقی و ترجمه و تحلیل متون اسلامی، از جمله قرآن، امید به درک درست اسلام را بیش تر کرد و امید می رود که غربی ها منصفانه تر از پیش حرکت کنند.^{۲۲}

چاپ و متن قرآن

اکنون و پس از مقدماتی که ضرورتاً آوردیم، به بحث اصلی خویش که همان چاپ و نشر و ترجمه قرآن است، می پردازیم؛ هرچند باید به یاد داشت که به دلیل اختراع قرن پانزدهم گوتنبرگ، جریان چاپ متون اسلامی اندکی دیرتر آغاز شده است؛ علت تسریع جریان ترجمه آن بود که اروپاییان ناگزیر از فهم قرآن به زبان خویش بودند، اما در چاپ این کتاب مقدس، مسأله به ترتیب دیگری بود. حقیقت این است که تا مدت ها پیش از تأسیس کرسی های اسلامی - عربی در دانشگاه های غرب و عربی دانی و عربی خوانی اروپاییان، هرگز نیازی به چاپ متن عربی قرآن و دیگر متون اسلامی احساس نمی گردید. اما بعدها استفاده از صنعت چاپ در بهبود وضعیت تدریس و تحقیق و امثال آن ضرورت یافت و این صنعت نیز متون لازم را به صورت چاپی و به نحوی عالی در اختیار محققان قرار داد. به هر حال بنابر

خاستگاه محمد (ص)، «اخبار معیوب و خنده دار مسلمانان»، «مکتب محمد (ص)»، «سؤالات عبدالله بن سلام»^{۲۰} و ... این مجموعه تا قرن ها یگانه منبع معرفتی مسیحیان درباره اسلام و قرآن گشته و اهمیتی فراوان در نقد اسلام شناسی در غرب یافته است.^{۲۱} اما یکی از جدی ترین اقدامات غربی ها در باب قرآن کریم، تلاشی است که دو تن از بزرگان کلیسا در حوالی قرن پانزدهم میلادی همزمان با افزایش هراس اروپاییان از ارتش عثمانی، به سامان رسانده اند. ماجرا از این قرار بود که شخصی به نام خووان سگویایی^{۲۲} که از کلیسا بازنشسته گردیده بود، بر آن شد تا به حل اختلافات میان اسلام و مسیحیت پردازد. به این منظور ترتیب تهیه یک ترجمه لاتینی از قرآن را داد که ظاهراً مفقود شده است؛ ولی بنابر مقدمه آن ترجمه که گویا اکنون در دست است و نشانگر دیدگاه های ردیه آلود او، وی معتقد است که مسائل و مشکلات میان اسلام و مسیحیت را می توان از طریق کمتر فرانسیا^{۲۳} یا کنفرانس صلح حل نمود. خووان کارهایی سترگ در این زمینه انجام داد؛ از جمله چند نامه به برخی از دوستانش نوشت و از آنان یاری جست و ایشان را به عملی کردن این فکر ترغیب نمود. ظاهراً برخی از آن دوستان، مانند پاپ پیوس دوم پاسخی به خووان نداده و اصولاً اعتقادی به طرح وی نداشته اند. اما با تفحص در نام گیرندگان نامه ها به شخصی دیگر به نام نیکولاس کوسایی^{۲۴} نیز برمی خوریم که از میان آن جمع با خووان هم درد بود و در فلسفه نو افلاطونی نیز دست داشت. نیکولاس پس از چندی دست به کار شد و کتابی به نام «از غربال گذراندن قرآن»^{۲۵} نوشت که نسبت به دیدگاه خرافه آمیز و ناروای آن روزگار درباره اسلام، قرآن و پیامبر اکرم، کتاب قابلی است. منتها دید ردیه آلود آن به خوبی هویدا است؛ هرچند به زعم خود نویسنده، نوشته او تحریفات قرآن را به درستی نشان داده و روش کار او یعنی محدود کردن مسأله و تعریف آن با توفیق رفیق بوده است. نیکولاس از آن رو این روش را برگزیده است که به محدودتر کردن و به طبع قابل حل تر کردن موضوعات متنازع فیه اسلام و مسیحیت امیدوار بوده است.^{۲۶} این دید ردیه ای در سال های بعد نیز ادامه یافت تا آن جا که به فرمان آباب کلیسا، در سال ۱۶۹۱ م. کتابی در رم منتشر شد به نام «راهنمای رد بر اسلام»^{۲۷} که چنان که از عنوان آن برمی آید، راه و رسم طعن ورد اسلام و قرآن را به خوانندگان می آموخته است.

باری ردیه های تند و زنده علیه اسلام و قرآن فراوان است و حتی در قرن نوزدهم هم، با این که روش های تحقیقی و علمی نوین رواج یافته بود، اگر کسانی چون هیگینز^{۲۸} جسارت ورزیده و دفاعی از پیامبر و قرآن می نمودند، افراد دیگری مانند کشیش اینچبالد^{۲۹} متعصب همان سخنانی را - علی الظاهر در رد هیگینز و

۲۰. بدوی، ص ۴۷۵؛ و بسنجید با: اردنبرگ، مقاله «مستشرقون» در 737/EJ2؛ و مارتین، بخش «تحقیقات کلونایی».

۲۱. مارتین، بخش «اصلاح گری».

22. John of Segvia.

۲۳. Contra Ferentia یعنی گفت و گوی میان پیروان اسلام و مسیحیت و نیز بسنجید: مقاله «اسلام و مسیحیت» در 281/OEMIW.

24. Nicholas of Cusa.

25. Cribratio Al Corani.

۲۶. مینوی، ص ۷۹-۸۴.

27. Prodromus ad Refutatie Al Corani.

۲۸. God Frey Higgins نویسنده کتاب «مدافعه از محمد (ص)»، قس، مینوی، ص ۱۱۴.

29. P. Inchbald.

۳۰. احمدوند، «گذری بر مطالعات شیعی در غرب»، ص ۱۷۵-۱۷۶.

۳۱. هرچند که گاه و بیگاه رسوباتی از این دید غلط حتی تا به امروز هم وجود دارد، ولی باید پذیرفت که دید غالب اصلاح شده و اکثر قرآن را کتابی الهی می دانند.

۳۲. احمدوند، ص ۱۸۰.

چاپ شده و مورد استفاده فراوان قرار گرفته است. اما در اروپا اولین فهرست قرآن را گوستاو فلوگل که پیش تر از او یاد کردیم، در سال ۱۸۴۲ به چاپ رسانده است. این فهرست براساس ریشه کلمات و حروف الفبا است و حدود ۲۱۹ صفحه دارد. در سن پترزبورگ نیز میرزا محمد کاظم بیک نام که گویا ایرانی است، فهرستی را در سال ۱۸۵۹، در چاپخانه آکادمی علوم امپراتوری روسیه در ۳۴۳ صفحه، به صورت سنگی تدوین و چاپ نموده است. این فهرست، مقدمه ای ۱۰ صفحه ای به زبان فارسی دارد و در عین حال شامل بیش تر کلمات و عبارات مورد نیاز خاورشناسان است. کتاب براساس حروف هجای عربی تدوین یافته و یک سری کلمات کلیدی و راهگشا در تحقیق و نیز تعدادی مثال برای هر یک را هم دربر دارد. در زمان های واپسین و با گسترش علوم و فنون این سیر فهرست نگاری کامل تر گردید، تا جایی که افرادی چون ژول لایوم،^{۴۴} نخستین بار فهرست موضوعی قرآن مجید را تهیه دیدند؛ وی آیات قرآن را موضوع به موضوع، در کنار هم آورده و بدین ترتیب کار مراجعه موضوعی به قرآن را بسیار آسان ساخته است. کتاب لایوم بسیار مقبول افتاده و دانشمندانی مسلمان نظیر محمد فؤاد عبدالباقی آن را دست مایه خویش در تدوین معاجم مفرس نموده اند.^{۴۵}

ترجمه قرآن کریم

طبق نظر اغلب محققان،^{۴۶} برای نخستین بار رابرت کتونی، به

33. Paganini.
 34. Von Erpe (Thomas Erpenius).
 35. Beckius.
 36. Abraham Hinckelmann.
 37. Ludovico Marracci.
 38. Catherine (Catrina).
 39. Gustav. L. Flugel.
- برای شرح حال و آثار او نک: بدوی، ص ۲۵۷-۲۶۱.
40. Caroli Tauchnitii.
 41. G. M. Redslob.
 42. College of Fort William in Culcutta.
 43. East India Company.
 44. Jule La Beaume.
- برای بحث نسبتاً خوبی درباره کار لایوم، نک: خرّمشاهی، دانشنامه، ج ۱، ص ۱۱۶۶.
۴۵. بدوی، ص ۴۷۴.
۴۶. آریبری، مقدمه بر ترجمه قرآن، ص ۷؛ مینوی، ص ۶۲؛ زریاب خویی، «قرآن»، ص ۴۳۸؛ بدوی، ص ۴۷۴؛ سلماسی زاده، تاریخ ترجمه قرآن در جهان، ص ۹۶؛ اسعدی، کتابشناسی جهانی، ص ۴۸؛ صغیر، خاورشناسان و پژوهش های قرآنی، ص ۵۹؛ پیرسون، مقاله «قرآن» بخش ترجمه های قرآن در EI2، خرّمشاهی، همان، ج ۱، ص ۵۶۶؛ واردنبرگ، Ibid.

استقصای محققان نخستین چاپ قرآن را در غرب، فردی به نام پاگانینی^{۳۳} در ونیز به انجام رسانیده است. این متن بین سال های ۱۵۰۳ و ۱۵۲۳ منتشر گردیده، ولی به فرمان پاپ جمع آوری و نابود شده است. تنها محققى هم که این ترجمه را دیده، ظاهراً فن اریه^{۳۴} است که در کتاب «مبانی زبان عربی» خویش از آن یاد کرده است. در گام بعدی افرادی چون فن اریه سابق الذکر، یوهان زشیندروف، کریستانوس راویوس، ماتیاس بکیوس^{۳۵} و جزء آن ها نیز به چاپ بخش هایی از قرآن پرداختند، تا آن که اولین نسخه کامل این کتاب شریف را آبراهام هنکلمان^{۳۶} (۱۶۵۲-۱۶۹۲) در هامبورگ به چاپ رساند. پس از او نیز، لودویکو ماراچی^{۳۷} از راهبان جمعیت «راهبان راه خدا» چاپ بهتر و منقح تری را عرضه کرد. در روسیه هم به فرمان ملکه کاترین،^{۳۸} ملا عثمان اسماعیل نام، به سال ۱۷۸۷ م. قرآنی را برای استفاده «رعایای مسلمان» ملکه در شهر سن پترزبورگ چاپ نمود. در پایان این چاپ فهرست اجزای سی گانه قرآن و جدول اصلاح غلط های چاپی و برخی حواشی مفید نیز وجود دارد که استفاده از متن را آسان تر می سازد. با این وجود بهترین چاپ قرآن در اروپا که بعدها مرجع همه محققان شد، چاپی است که گور فلوگل،^{۳۹} خاورشناس و کتابشناس برجسته آلمانی به سامان رسانده است. این نسخه را انتشارات کارل تاوختنس^{۴۰} به سال ۱۸۳۴ در لپزیک چاپ کرده است. چاپ مذکور ابتدا با صفحه ای سفید آغاز می گردد، در صفحه دوم عنوان عربی قرار دارد؛ صفحه سوم هم سفید است و صفحه بعد نیز که شماره ندارد، حاوی سوره مبارکه حمد است. این چاپ مکرر در مکرر تجدید شده و در دسترس همگان قرار گرفته است؛ اما مدتی نگذشت که گوستاو موریس ردزلوب^{۴۱} دکتر در فلسفه، آن را به سرقت برده! با کمال تعجب در همان انتشارات به نام خویش به چاپ رساند.

چاپ فهارس و معاجم

غربی ها مانند مسلمانان آن روزگار و پیش تر از آن که بیش تر قرآن را در حفظ داشتند، قرآن را حفظ نبودند؛ بنابراین و بنا بر رعایت شرایط زندگی ماشینی و استفاده آسان از قرآن در تحقیقات اسلامی، شروع به تدوین فهارسی برای آن نمودند. کهن ترین فهرست چاپی قرآن، «نجوم الفرقان» نام دارد که مصطفی بن محمد نام آن را در کلکته گردآوری نموده و مقدمه ای فارسی نیز بر آن نگاشته است. البته با وجود این که کتاب نوشته مؤلفی مسلمان و چاپ کشوری مسلمان (هند) است و مقدمه ای فارسی هم دارد؛ ولی چون جزو انتشارات دانشکده فورت ویلیام^{۴۲} وابسته به کمپانی هند شرقی است،^{۴۳} می توان آن را در زمره تحقیقات قرآنی غربی ها دانست. کتاب، بارها و بارها تجدید

اساس قرار دادن ترجمه آریوانبه، قرآن به آلمانی ترجمه کرد که به نوبه خود مبنای ترجمه مجهول المترجم هلندی شد. نخستین ترجمه فرانسوی قرآن هم، از آندره دوریه^{۶۸} است، که بین سال‌های ۱۶۴۷ تا ۱۷۷۵ فراوان تجدید چاپ شده است و حاوی مقدمه‌ای است به نام «خلاصه‌ای از مذهب ترك‌ها» که این مقدمه و ترجمه، اساس ترجمه انگلیسی راس^{۶۹} شده است. اما نخستین ترجمه قرآن به انگلیسی از آن جورج سیل^{۷۰} است. سیل مقدمه‌ای بر ترجمه خویش افزوده و بیش تر حسن کار او در این است که متن عربی را اساس ترجمه خویش قرار داده است.^{۷۱}

از دیگر ترجمه‌های مشهور انگلیسی می‌توان به ترجمه‌های راس، پالمز (۷۲ یا پامر)، رادول، بل،^{۷۳} آربری^{۷۴} که ادیب و

فرمان پیتر واجب التکریم قرآن را به لاتین ترجمه نموده است، البته برخی دیگر از محققان ترجمه مذکور را از آن پیتر طلیطلی، مسلمان مسیحی شده می‌دانند^{۴۷} و حتی پیتر دیگری را نیز مأمور و مسؤول نظارت بر ترجمه فوق دانسته‌اند.^{۴۸} ظاهراً این ترجمه به صورت گروهی انجام شده است. چرا که، از یک مسلمان به نام محمد هم در کنار دیگر مترجمان یاد شده است. محققان دیگری نیز هرمان دلماسی را جزو مترجمان قرآن شمرده‌اند؛^{۴۹} حال آن‌که این گونه نیست و هرمان، دیگر قسمت‌های مجموعه کلونیایی-به‌جز قرآن-را ترجمه کرده است.^{۵۰} این ترجمه به همراه برخی از نوشته‌های دیگر چون مقدمه رابرت بر این ترجمه و برخی مقالات دیگر که از آن‌ها سخن گفتیم و عمدتاً هم ترجمه هرمان است، در کنار هم مجموعه مشهور کلونیایی را تشکیل می‌دهند که در بررسی جریان اسلام شناسی در غرب جایگاهی والا دارد.^{۵۱} ترجمه رابرت، معیار ترجمه دوره‌های بعد و یکی از منابع مهم غربی‌ها در شناخت اسلام شد؛ اما کار او در واقع ترجمه‌ای خلاصه‌گونه است و حاوی عباراتی است بسیار مستهجن و زننده نسبت به اسلام و شخص نبی مکرم اسلام. گویا رابرت می‌کوشیده تا در ترجمه خویش زشت‌ترین عبارات و مهجورترین آن‌ها را برگزیند و نه درست‌ترین آن‌ها را^{۵۲}. از این ترجمه یک نسخه که به خط خود رابرت است، در کتابخانه آرسنال پاریس وجود دارد^{۵۳}؛ اما علی‌رغم این که این ترجمه، پیش از نبرد صلیبی دوم به سن برنارد^{۵۴} تقدیم شده و در معرض دید همگان قرار گرفته است، تا مدت‌ها به همان شکل خطی باقی ماند. سرانجام در سال ۱۵۴۲ و در امر تلاش مشترک فن‌ارپه و بیبلیاندر^{۵۵} و با مقدمه مارتین لوتر^{۵۶} و فیلیپ ملنچتن^{۵۷} از سران پروتستانتیسم^{۵۸} و پس از تحمل مشکلاتی چند، به چاپ رسید و اگر حمایت‌های لوتر نبود، احتمال داشت که هرگز به چاپ نرسد.^{۵۹} در باب محل چاپ این ترجمه نیز محققان اختلاف دارند: برخی آن را زوریخ^{۶۰} و برخی بال^{۶۱} می‌دانند؛ ولی به نظر می‌رسد که با توجه به منع شورای شهر بال از چاپ ۱۴۵۲ و دستور آن شورا مبنی بر چاپ کتاب در شهری دیگر، چاپ ۱۴۵۲ در زوریخ انجام شده و اگر هم چاپی-مثلاً چاپ ۱۴۵۰- صورت گرفته، به احتمال بعدها در بال انجام پذیرفته باشد.^{۶۲} ترجمه لاتینی دیگری که شایسته یاد کردن است، ترجمه‌ای است که لودو ویکو ماراچی به همراه متن عربی قرآن و توضیحات فراوان به انجام رسانده است.^{۶۳} آندره راس آریونبه^{۶۴} هم در سال ۱۵۴۷، قرآن را به زبان ایتالیایی ترجمه کرد که گرچه مترجم مدعی است که مستقیماً از عربی صورت گرفته، اما عملاً ترجمه یا تحریر متن رابرت است.^{۶۵} در زبان آلمانی نیز زلومن شوایگر،^{۶۶} واعظ کلیسای فراونن کیرشه^{۶۷} شهر نورنبرگ با

۴۷. زریاب خوبی، همان.

۴۸. بدوی، همان.

۴۹. اسعدی، همان.

۵۰. بدوی، ص ۴۷۵.

۵۱. در این باره جیمز کرتیزک کتابی دارد به نام «پیتر واجب التکریم و اسلام»

پریستون، ۱۹۶۴ که بررسی کامل و ارزشمندی در باب مجموعه

کلونیایی است. ر. ک: آربری، مارتین و بدوی، همان.

۵۲. پیرسون، Ibid، بخش ترجمه‌های لاتینی.

۵۳. همان.

54. San Bernard

از بزرگان نبرد صلیبی دوم.

55. T. Bibliander (Buchmann).

56. Martin Luther.

57. Philip Melanchton.

58. Protestantism.

۵۹. مارتین، همان.

۶۰. آربری، همان.

۶۱. صغیر، ص ۵۹؛ ر. ک: مارتین، همان؛ مینوی، ص ۹۵-۹۷.

۶۲. بدوی، ص ۴۷۴-۴۷۵.

۶۳. زریاب خوبی، همان.

64. Andre Arrivabene.

۶۵. پیرسون، همان.

66. Solomon Schweigger.

67. Frauen Kirche.

68. Andre du ryex.

69. A. Ross.

70. G. Sale.

۷۱. برای نقد ترجمه او و برخی دیگر از ترجمه‌های انگلیسی ر. ک: آربری، مقدمه.

72. Palmer.

73. Rodwell.

74. Bell.

75. Arthur. J. Arberry.

شرفی و غیر مسلمان چون توشیهیکو ایزوتسو^{۹۳} و یا قرآن پژوهان غربی نظیر جی. آر هوتینگ^{۹۴} و صدها نمونه و مثال دیگر، می توان گفت که روند مطالعات قرآنی در غرب - که بررسی آن مجالی دیگر می طلبد - رو به رشد است و امید می رود که غربی ها پس از چندین قرن تجربه پر فراز و نشیب در امر چاپ و نشر و ترجمه قرآن کریم، اکنون به روش های منصفانه^{۹۵} و تفهیمی تری،^{۹۶} این کتاب مقدس را بکاوند تا نقطه اتصال آنان به شیوه های علمی تر اسلام پژوهی، بیش از پیش مستحکم گردد. ما شرقی های مسلمان هم باید شیوه های جدید و سؤالات نوین غربی ها را درباره مطالعات قرآنی - اسلامی جدی تر بگیریم و بدین سان وارد گفت و گو و تعامل واقعی با یکدیگر شویم؛ زیرا برای ما مسلمانان، قرآن کتاب دین و راهنمای هدایت است و برای غربی ها، اصل و اساس مطالعات اسلامی.



76. Pickthall.

۷۷. خرمشاهی، قرآن پژوهی، ص ۵۳۶-۵۳۲.

78. R. Blachere.

۷۹. برای ملاحظه، صورت کاملی از ترجمه های قرآنی به زبان های گوناگون، حتی زبان عبری جدید اسپرانتور. ك: عصمت بنیادق و خالد ارن، کتایشناسی جهانی ترجمه های قرآن، چاپ ترکیه، سازمان کنفرانس اسلامی، استانبول؛ خرمشاهی، دانشنامه، ج ۱، ص ۵۲۵-۶۱۲؛ پرسون، همان.

۸۰. صغیر، ص ۳۱.

۸۱. همان.

82. Gustav weil. نویسنده بحث مقدمه تاریخی نقدی بر قرآن.

۸۳. صغیر، همان.

84. Theodor Nöldke.

85. Geschichte des Quvans.

86. Schwally.

۸۷. مانند جان برتن نویسنده کتاب «جمع و تدوین قرآن» کمبریج، ۱۹۷۹.

۸۸. شراره «اضواء علی بعض الدراسات الاستشراقیه» ص ۳۳-۳۸، ر. ك: طباطبایی، نقد آثار خاورشناسان، ص ۶۱-۶۹.

۸۹. ارغون، اسلام دیروز و امروز، ص ۳۲ و ۳۳.

۹۰. ترجمه دکتر اسدالله مشیری، نشر ارغنون، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۲.

۹۱. نک: سراسر کتاب.

92. The Encycloepedia of Islam (2nd edition)

93. Toshihiko Izutsu.

94. Hawtiny

استاد دانشگاه لندن و یکی از ویراستاران کتاب جدید به نام «رویکردهایی به قرآن کریم» چاپ ۲۰۰۰، انتشارات تلخ.

95. impartied.

96. comprehensive.

شاعرند، پیکتال^{۷۶} که مسلمانی نیک اعتقاد است و ترجمه اش سبک کهن و کتب مقدس را دارد،^{۷۷} اشاره کرد. در میان ترجمه های جدید و معتبر فرانسوی نیز ترجمه رژی بلاشر^{۷۸} قابل ذکر و توجه است.

اما اکنون و در زمان ما، ضمن این که هر روز بر تعداد ترجمه های قرآنی افزوده می گردد، بر شمار مسلمانان زبان دان و عالم و نیز غربی های مسلمان و علاقه مند به ترجمه کتاب آسمانی هم افزوده می شود و جریان ترجمه قرآن به زبان های غربی که از شبه قاره آغاز شده، رشد بسیار داشته و افق های آینده بسیار امیدبخش است.^{۷۹}

تاریخ قرآن

تاریخ قرآن نویسی در غرب بیش تر بر مباحث ساخت، واژگان، نزول، قرائت، لهجه ها و گرداری و کتابت تأکید دارد.^{۸۰}

نخستین کسی که در این زمینه و به ویژه تأثیر پذیری قرآن از دیگر ادیان؟! تحقیق کرد، بوتیه^{۸۱} بود. بعدها گوستاو وایل^{۸۲} کار او را پی گرفت و درباره روش تاریخی و اشتمال موضوعی قرآن تحقیقاتی نمود، اما سوره های مکی را تقسیماتی من عندی کرد.^{۸۳} ولی شاید تتودور نولدکه^{۸۴} خاورشناس برجسته آلمانی نخستین کسی باشد که تاریخ قرآن را به جد گرفت و پیش قراول فعالیت خاورشناسان در این زمینه گردید. وی که موضوع پایان نامه دکتری خویش را «تاریخ قرآن»^{۸۵} قرار داده بود، توانست با تحقیق در موضوعی نوین (به زبان لاتین) به اخذ جایزه نیز توفیق یابد.

وی این کتاب را در گویتینگن (۱۸۶۰) به چاپ رساند که چندی بعد شاگردش شوالی^{۸۶} آن را با حواشی مفید، طی سال های ۱۹۰۹-۱۹۱۹ تجدید چاپ نمود. کتاب نولدکه در واقع اساس کار غربی ها در زمینه تاریخ قرآن - که از مهم ترین مباحث مورد علاقه غربی ها است - شده و حتی امروز نیز کسانی سعی در ادامه راه وی دارند.^{۸۷} با این وجود کتاب او اشتباهاتی فاحش دارد - مانند بحث حروف مقطعه - که متأسفانه در آثار خاورشناسان متأخر هم تأثیر گذاشته است؛^{۸۸} ولی توجه او به شیوه های تحلیل زبانشناسانه قابل تأمل تواند بود.^{۸۹} بلاشر، خاورشناس برجسته فرانسوی هم چند نمونه تحقیق قرآنی دارد که یکی از آن ها، «درآمدی به قرآن»^{۹۰} است. این کتاب با وجود این که بیش تر بر مباحث علوم قرآنی و تفسیر تکیه دارد، در زمینه، تاریخ نگاری متن قرآن کریم نیز حاوی برخی نکات بحث برانگیز و جالب توجه است.^{۹۱}

در هر حال با نگاهی گذرا به این نوع آثار، یا مدخل های قرآنی دائرةالمعارف اسلام (چاپ دوم)^{۹۲} و یا آثار محققانی